

جامع التواریخ

(تاریخ اقوام پادشاهان ختمی)

تألیف

رشید الدین فضل اللہ ہمدانی

(درگذشته ۷۱۸ هـ. ق)

تصحیح و تحشیہ

محمد روشن

رشیدالدین فضل الله، ۹۶۴۸ - ۷۱۸ ق

[جامع التواریخ، برگزیده، چین]

جامع التواریخ (تاریخ اقوام پادشاهان ختای) / تألیف رشیدالدین فضل الله همدانی؛ تصحیح و تحشیه

محمد روشن - تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۸۵.

نورده، ۱۸۰ ص.؛ مصور، نمونه. (میراث مکتوب؛ ۱۳۵: تاریخ و جغرافیا؛ ۲۴)

SBN 964-8700-16-8

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

ص.ع. لاتینی شده: (The History Of The Khutbī Kings' Family) 'ĀMI AL-TAVĀRĪKH

نمایه.

۱. ایران - تاریخ - مغولان و ایلخانیان، ۶۱۶ - ۷۵۶ ق. ۲. نشر فارسی - قرن ۷ ق. ۳. چین - تاریخ

الف. روشن، محمد، ۱۳۱۲ - ، مصحح. ب. مرکز پژوهشی میراث مکتوب. ج. عنوان.

د. عنوان: تاریخ اقوام پادشاهان ختای.

۹۵۵/۰۶۲

DSR ۱۰۲۹ / ج ۲۵

۱۳۸۴

۸۳ - ۳۵۳۵۲ م

کتابخانه ملی ایران



جامع التواریخ

(تاریخ اقوام پادشاهان ختای)

رشیدالدین فضل الله همدانی

تصحیح و تحشیه: محمد روشن

ناشر: میراث مکتوب

مدیر تولید: علی اوجبی

حروفچین و صفحه‌آرا: سیما اداره‌چی

چاپ اول: ۱۳۸۵

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

شابک: ۸ - ۱۶ - ۸۷۰۰ - ۹۶۴

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: رویداد

نشانی ناشر: تهران، ش.پ: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲ دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

E-mail: toolid@MirasMaktoob.ir

http://www. MirasMaktoob.ir

بسم الله الرحمن الرحيم

دریایی از فرهنگ پر مایه اسلام و ایران در نسخه های خطی موج می زند. این نسخه ها، حقیقت، کارنامه دانشندان و نوابغ بزرگ و هویت نامد ما ایرانیان است. برعمده هر سلی است که این میراث پراچ را پاس دارد و برای شناخت تاریخ و فرهنگ و ادب و سوابق علمی خود به حیا و بازسازی آن اهتمام ورزد.

باینه کوششهایی که در سالهای اخیر برای شناسایی این ذخایر مکتوب و تحقیق و جمع دانها انجام گرفته و صد ها کتاب و رساله ارزشمند انتشار یافته هنوز کار ناکرده بسیار است و هزاران کتاب و رساله خطی موجود در کتابخانه های داخل و خارج کشور شناسانده و منتشر نشده است. بسیاری از متون نیز، اگر چه بارها طبع رسیده و منطبق بر روش علمی نیست و تحقیق و تحقیق مجدد نیاز دارد.

احیاناً کتب کتابها و رساله های خطی و خطی است بر روش متحان و مناسبات فرسپه. مرکز پژوهشی میراث مکتوب در راستای این هدف در سال ۱۳۷۴ بنیاد نهاده شد تا با حمایت از کوششهای متحان و مصححان، و با مشارکت ناشران، مناسبات علمی، اشخاص فرهنگی و علاقه مندان به دانش و فرهنگ بهی در نشر میراث مکتوب داشته باشد و مجموعه های ارزشمند از متون و منابع تحقیق به جامعه فرهنگی ایران اسلامی تقدیم دارد.

مرکز پژوهشی میراث مکتوب

فهرست مندرجات

پیشگفتار	نه
شناخت نسخه‌ها	چهارده
ترجمه تازی تاریخ چین	هجده
آغاز	۱
تقریر اسامی ولایات مُعظَم آن ممالک به حَسَبِ هر مصطلحی	۱
مقدمه تاریخ مذکور مشتمل بر قواعد و ضوابطی که ایشان را است و به تقریر تاریخ تعلق می‌دارد	۵
تاریخ پادشاهان ختای و ماچین و نوادر و حوادث که در عهدِ هر یک واقع شده بر زعمِ اهلِ ختای	۱۳
نسخه بدل‌های تاریخ چین	۷۳
واژه‌نامه	۱۳۷
عبارت‌های تازی	۱۷۰
نام‌های کسان و شهرها و	۱۷۱

به نام آنکه جان را فکرت آموخت

پیشگفتار

از دیگر بخشهای تاریخ عالم جامع التواریخ رشیدالدین فضل الله همدانی، تاریخ چین است.

رشیدالدین فضل الله پس از به پایان بردن داستانهای مغول به یاری بولادجینگ سانگ، کتاب را به اولجایتو، (جلوس ۷۰۳ هـ. ق - فوت ۷۱۶ هـ. ق)، برادر و جانشین غازان خان عرضه می دارد، و بنا به عرف زمانه از او در می خواهد تا کتاب را به نام او بیاراید. اولجایتو نمی پذیرد، و به رشیدالدین می فرماید تا آن را همچنان به نام برادرش - غازان - بازگذارد. ولی از او می خواهد تا کتابی در تاریخ عالم بنگارد.

«... چون پادشاه اسلام، خلد الله سلطانه از غایت علو همت همواره مستبحت انواع علوم و متفحص فنون حکایات و تواریخ است، و اکثر روزگار میمونش به اکتساب صنوف فضایل و کمالات مصروف، بعد از مطالعه و اصلاح این تاریخ فرمود که چون تا غایت وقت در هیچ تاریخی، تاریخی که مشتمل باشد بر احوال و حکایات عموم اهل اقالیم عالم و طبقات اصناف بنی آدم نساخته اند، و در این دیار هیچ کتاب در باب اخبار سایر بلاد و امصار

موجود نبوده؛ و از پادشاهان متقدم کسی تفحص و تتبع آن ننموده، در این ایام که بحمدالله و منه اطراف و اکناف ربع مسکون در تحت فرمان اوروغ چینگیزخان است، و حکما و منجمان و ارباب دانش و اصحاب تواریخ اهل ادیان و ملل، از اهالی ختای و ماچین و هند و کشمیر و تبت و اویغور و دیگر اقوام اتراک و اعراب و افرنج در بندگی حضرت آسمان شکوه گروه گروه مجتمع اند، و هر یک را از تواریخ و حکایات و معتقدات طایفه خویش نسخه ای هست، و بر بعضی از آن واقف و مطلع، رای جهان آرای چنان اقتضا کرد که از مفصل آن تواریخ و حکایات مجملی که از روی معنی مکمل باشد به نام همایون ما پردازند... تا مجموع آن کتابی عذیم المثل باشد جامع جمیع انواع تواریخ... تا موجب دوام نام و ناموس گردد.»

[جامع التواریخ، صص ۸-۹]

گفتنی است دانشمند مأسوف علیه کارل یان در مقدمه تاریخ بنی اسرائیل بتصریح اشاره می کند که نگارش تاریخ عالم نیز به خواست غازان خان آغاز شده بوده است.

رشیدالدین فضل الله در مقدمه تاریخ مغول می افزاید:

«به موجب فرموده از جمله فضلا و معتبران طوایف مذکوره تفحص و استخبار نموده، و از مضامین کتب متقدمان التقاط کرده، مجلدی دیگر در باب تواریخ عموم اقالیم در قلم آمد... و مجموع کتاب به جامع التواریخ مسمی گشت.»

[جامع التواریخ، ص ۹]

شیوه تاریخنگاری رشیدالدین فضل الله هم امروز نیز از مایه های برتری وی بر دیگر مورخان روزگار است، زیرا وی هوشمندانه روشی علمی برمیگزیند و می نویسد:

«مقصود از این کلمات آنکه چون این ضعیف به تألیف این کتاب

جامع‌التواریخ مأمور شد، از آنچه در کتب مشهور هر طایفه مسطور یافت، و از آنچه نزد هر قومی به نقل متواتر شهرت داشت، و از آنچه دانایان و حکمای معتبر هر طایفه بر حسب معتقد خود تقریر کردند، هم بر آن منوال بی هیچ تغییر و تبدیل و تصرف در قلم آورد، و ممکن که به سبب قصور فهم او یا اهمال راوی، بعضی از آن جمله فوت شده باشد؛ و مع هذا دلخواه بود که در تنقیح حکایات، اجتهادی هر چه تمامتر رود...»

[جامع‌التواریخ، ص ۱۲]

از این است که چون رشیدالدین به اشارت غازان یا اولجایتو آهنگی نگارش تاریخ عالم می‌کند، و سال آغاز کار او در تدوین تاریخ چین چنین است:

«... و از مبدایی که ایشان تصور کرده‌اند و پیش ایشان معروف و مشهور و مسطور است تا این زمان که سنه اربع و سبعماه هجری است...»

[تاریخ چین (تصحیح محمد روشن) ص ۷]

رشیدالدین می‌نویسد:

«اهل ختای را تواریخ و کتب بسیار مشتمل بر حکایات و حوادث هر زمانی و هر عهدی موجود است و نزد ایشان مشهور، و کسانی که آن را مرتب دانند در این ملک کم‌اند، چه آن تواریخ بغایت بسیار است، لکن حکمای ختای از آن مطولات کتب، تلخیصات و اختصارات کرده‌اند، و باز آن را مختصر و موجز گردانیده، و تا غایت از آن نسخ چیزی بدین ولایت نرسیده. در این وقت که پادشاه اسلام، خلدالله سلطانه و اعلی شأنه فرمود تا تاریخ مبارک را تألیف کند و بنویسد، چون ممالک مذکوره را در قدیم‌الایام هیچ پادشاه بیگانه مسخر نگردانیده بود و در آن راه مداخلت نیافته، چنگ‌گزخان و اُروق نامدار او آن را مستخلص کرده و در تحت فرمان و تصرف خویش آوردند، و بدان سبب حکایات آن در این تاریخ آوردن ضروری بود.

پادشاه اسلام، خُلْدَ مُلْکِه فرمود تا تواریخ احوال آن مملکت و پادشاهان آنجا بر سبیل ایجاز و اختصار الحاق کرده شود. بر وفق فرمان نافذ، لازال نافذاً و مطاعاً، از حکمای ختای: لیتاجی و کمسون نام، که هر دو بر علم طب و نجوم و تاریخ ختای واقف‌اند، و بعضی از آن کتب از ختای با خود آورده و آن معانی را مستحضر، کتب تواریخ که داشتند حاضر گردانیدند و تقریر کرد، که هرچند تاریخ اهل ختای عظیم قدیم است، و عدد سالها و ادوار ایشان به موجبی که پیش از این با خواجه نصیرالدین تقریر کرده‌اند، لکن تاریخی که اسامی پادشاهان آنجا در آن مشروح و مفصل است، و بنیاد حکایات بر آن نهاده، و در این وقت [642a] میان اهل ختای شهرتی دارد، و تاریخی درست و محقق [است]، و تمامت حکما و دانایان بر آن اعتماد کرده، کتابی است که آن را سه حکیم معتبر باتفاق ساخته‌اند:

یکی را نام فوهین خوشانک، فوهین اسم است؛ و خوشانک صفت، یعنی بخشی... و دیگر را نام فیخو خوشانک... و نام دیگر شیخون خوشانک... ایشان هر سه آن تاریخ را از کتب قدیم انتخاب کرده‌اند و با حکما و دانایان وقت تصحیح و مقابله کرده و جمله بر آن گواهی نهشته که با کتب قدیم مقابل است و در آن هیچ شبهتی نه.»

[تاریخ چین، (همان) صص ۷-۸]

با این اشارت درمی‌یابیم که رشیدالدین و دستیاران او با برگزیدن دو پزشک اخترشناس که بر تاریخ نیز وقوف کامل دارند، لیتاجی و کمسون، اثری برمی‌گزینند که آن اثر ساخته سه بخشی - روحانی بودایی - از تاریخهای کهن است که به وسیله «حکما و دانایان» وقت تصحیح و مقابله شده است و مسجل گردیده؛ و «بعد از آن نوبتی دیگر حکیمی تصحیح آن کرده!» با این توصیفات پیداست که دامنه استقصاء و بررسی دراز دامن است و تدوین تاریخ چین بدین کیفیت چه مایه برتریها دارد.

اما هر چند اتکای رشیدالدین در تدوین تاریخ عالم به عالمان و مورخان و بخشیان است - و چنانکه در پیشگفتار تاریخ هند یاد کردم، در تحریر آن بخش نیز رشیدالدین از همکار شایسته خود کمالاشری بخشی یاد می‌کند - با دریغ در تدوین و تحریر بخش عمده جامع‌التواریخ از نویسندگان و پدید آورندگان ایرانی نام نمی‌برد و قضایا را مسکوت باز می‌گذارد.

ایسنگ به روشنی می‌دانیم که در بخش ایران و اسلام، تنها مأخذ رشیدالدین، تاریخ طبری بوده است، و در بخش سامانیان و بویه‌یان و غزنویان از ترجمه تاریخ یمینی بتقریب به عین عبارت نقل می‌کند، و در بخش سلجوقیان از ظهیرالدین نیشابوری و راوندی بهره می‌گیرد و در نگارش تاریخ خوارزمشاهیان، به جهانگشای جونی دستبرد می‌زند؛ و هیچ اشارتی به اخذ و اقتباس و نقل خود نمی‌کند! گویی رسم زمانه چنین بوده است، چنانکه همتای او نصیرالدین طوسی نیز، تنکوخنامه را انتحال می‌کند.



تاریخ چین را پس از به پایان بردن کار تاریخ هند در ایتالیا استنساخ کردم. نسخه اساس من نسخه شماره 1653 است، سپس به مقابله آن با نسخه سلیمانیه، داماد ابراهیم پاشا پرداختم. عکس این نسخه به شماره ۵۲-۳۰۴۸ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران مضبوط است و تاریخ کتابت آن ۸۸۵ ه. ق. پس از بازگشت به ایران، از چاپ تاریخ چین از جامع‌التواریخ، ویرایش و پژوهش خانم دکتر وانگ ای دان با خبر شدم. تصحیح این متن دشوار - از جمیع جهات - را اثری دلپذیر و شایسته یافتم، شیوه نگارش پیشگفتار استوار و دلنشین است و شایان ستایش، به گمان من گزینش نسخه کاخ گلستان به عنوان نسخه اساس، روا نبوده است. نسخه شماره 1653، به زعم من با فاصله زمانی دوپست و اند ساله، و نیز رونویسی عینی و مستقیم این نسخه از جامع‌التواریخ، می‌تواند از وجوه برتری آن بر دیگر نسخه‌ها باشد.

نسخه خطی جامع التواریخ کتابخانه انگلیس - British Library - به شماره Add 7628 را که خود به مهر ماه ۱۳۸۱ دیده‌ام؛ و آن را نسخه‌ای ناستوار و مغشوش یافته‌ام زیرا بی‌مبالغه صورتِ درستِ یک نام را در آن نمی‌توان بازیافت!

گفتنی است که دو سطر پایانی از دو صفحه چاپی خانم دکتر وانگ ای دان - ص ۲۸، و ص ۱۵۴ افتاده است، که از اهتمام ارزنده ایشان هیچ نمی‌کاهد. در پاره‌ای از تصحیحات ایشان سخنی داشته‌ام که در «شرح نسخه بدلها» باز گفته‌ام، و آن را نیز از تسامحات استادان راهنما می‌دانم!

سر چاپ تاریخ چین نداشتم، ولی به اعتبار تمهید چاپ مجموعه تاریخ عالم از جامع التواریخ و خواست دوستان ناگزیر به این کار شدم؛ بازیافتن نسخه تواریخ العالم که بنسبت از ضبط و اتقان نسبی برخوردار است، و نسخه سلیمانیه نیز از انگیزه‌ها بود.

شناخت نسخه‌ها

۱). نسخه 1653 طویقپوسرای به خط نسخ. در ترقیمه بخش اسماعیلیان این نسخه آمده است:

«تمام شد تاریخ اسمعیلیّه و نزاریه از مصنفات مخدوم اعظم اعدل سلطان
الوزرا فی العالم رشید الحقّ و الدّین عماد الاسلام و المسلمین عزّ الله
انصار دولته به یاری باری عزّ اسمه فی اواخر جمادی الاخر سنة اربع عشرة و
سبعمائه بخط العبد المسکانی الحافظ والحمد لولیه و الصّلوة والسّلام علی
نبیه محمّد و آله الطّیّبین الطّاهرین اجمعین.»^۱

۱. با درج من شماره این برگ را همچون برگهای دیگر این نسخه نمی‌توانم داد. مجموعه نسخه‌های 1654 و 1653 درهم است. عکسبرداری از این مجموعه به گونه‌ای ناهنجار صورت گرفته است. ده مجلد را - چنان که در عکس موجود در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات

این نسخه را به نشانه «تو» باز می‌شناسیم، و نسخه‌ای مضبوط است. در این نسخه ویژگیهای نگاشته‌های کهن دیده می‌شود:

ـ «پ» را به یک نقطه می‌نویسد:

بادشاه، بادشاهی ۲، ۶، ۱۲؛ بس ۵؛ پنج‌تار ۹، بوشیدندی ۱۲؛ بنجم ۱۴، باکیزه ۱۷.

ـ «چ» را نیز به یک نقطه می‌نویسد و گاه بی نقطه:

چنانچه ۲، ۵؛ جون ۲؛ آنچه ۲؛ هرچند ۴؛ دیاجه ۵؛ جه؛ چگونه ۱۷.

ـ دو ذ را رعایت می‌کند و بر دال معجمه نقطه می‌گذارد:

بادشاه ۴؛ نبوده ۶؛ بادید آمده ۱۲؛ نیاند ۱۵؛ نهاد ۱۶؛ برادر ۱۷؛ مادر ۱۷؛ بهادر ۱۰.

ـ ک و گ را یکسان می‌نویسد:

کرم، کرما ۸؛ کردانیده ۹؛ بزرک ۱۴؛ فرسنگ ۱۷؛ چگونه ۱۷؛ چهارکز ۱۸؛ کرکی چهارشاخ ۱۷؛ ریک می‌خورده ۱۰؛ کور ۱۱؛ کوسفند ۱۳.

ـ چنانک ۱۴، ۱۶، ۱۷؛ انک، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷؛ انج ۸.

ـ همه جاء که می‌نویسد:

۳، ۴، ۵... ۱۵، ۱۶، ۱۷؛ و بسیار اندک کی دیده می‌شود: کی ۳.

(۲) نسخه تواریخ العالم، تاریخ کتابت ندارد، و ظاهراً از سده نهم یا به گمان

←

فرهنگی آمده است - از دفتر اول آغاز کرده‌اند و یک رویه عکسبرداری کرده‌اند، سپس مجلدات را برگردانیده‌اند و از آن سری دیگر عکس گرفته‌اند. قریب به ۸ ماهی در کار آراستن و ترتیب صفحات بوده‌ام؛ در کنار برگ شماره‌ها، خود از شماره یک آغاز کرده‌ام و بخش بخش شماره‌ها را به پایان برده‌ام، پیداست که توالی صفحات را با چه رنجی می‌توان باز یافت!

دانشمند فقید پروفیسور احمد آتش سدہ دہم می نماید. این نسخہ را بہ «تا» نشانہ کردہ ایم.

۔ «پ» را بہ یک نقطہ می نویسد:

بت برست 61b ؛ باکیزہ 62a ؛ سید 67a، 68b ؛ بذر 67a ؛ بادشاہ 68a ؛ پیدا شدہ 68b.

۔ ج وچ را یکسان می آورد با یک نقطہ:

جون 61b ؛ ہرچند 62a ؛ جیزی 62a ؛ جشمہا 65b ؛ جیست 67a ؛ ہیج 67b ؛ خواجکی 73a.

۔ د معجمہ را بہ شیوہ کهن می نویسد:

براذر 61b ؛ بدان 62a ؛ بذر 67a ؛ بادشاہ 68a ؛ ماذر 68b ؛ بذدل 69a ؛ شاذیہا 69a ؛ خذای 69b.

۔ گ را همچون کاف می آورد:

بندکی 61b ؛ دیگر 65b ؛ ظاہرکشت، کفت 66a ؛ کاو 68a ؛ کیاہ 68b ؛ کریختن 70b ؛ خواجکی 73a.

۔ جندانک 68b ؛ جاناک 69b ؛ جنانکہ ہم دیدہ می شود 73a ؛ آنک 72a،

74a.

۳) نسخہ سلیمانہ - داماد ابراہیم پاشا - شمارہ فیلم در کتابخانہ مرکزی ۲۹۹-۲۹۷ است، تاریخ کتابت این نسخہ ۸۸۵ھ. ق است و بہ خط نستعلیق درویش محمد طاقانی.

۔ «پ» را در بیشتر موارد بہ سه نقطہ می نویسد، و گاہ بی نقطہ:

پادشاہ 641b ؛ پیش 642a ؛ پانزدہ 646b ؛ پیدا 648a ؛ پنجاہ 647b.

۔ «ج» را گاہ بہ سه نقطہ و کمتر بہ یک نقطہ می آورد:

چنکیزخان 642a ؛ چون 649b ؛ جنان 642b ؛ جہارم 648a.

— «د» و «ذ» را یکسان می‌نویسد:

باشد، شود؛ 641b؛ تواند بود؛ 645b؛ رسید؛ 647b؛ برادر؛ 647a.

— «س» را عموماً با سه نقطه زیر می‌نگارد:

است؛ 641b؛ بت‌پرست؛ 642b؛ پسندیده؛ 645b؛ راست؛ 646b.

— ک و گ را یکسان می‌نویسد به کاف.

جداگانه؛ 642a؛ دگر؛ 645b؛ کرکی چهارشاخ؛ 645b؛ بزرگ؛ 647b؛ تختگاه

648a.

(۴) نسخه چاپی آراسته خانم دکتر وانگ ای دان.

این نسخه را با دقت بررسی کردم. بی مجامله چنانکه گفتم از چاپهای نمونه‌وار تصحیح است، در مواردی به تصحیح قیاسی دست زده‌اند که به گمان من درست نمی‌آید. در صفحه ۸۴ س ۱۱ — از نقایص این متن چاپی سطر شمار نداشتن است — «بَنَکَت» که به تصریح با اعراب آمده است، به «بنگرد» تصحیح شده است بی پشتوانگی حتی یک نسخه! یا در ص ۱۲۵، س ۸: ترکیب کهن و دیرین «تای موی» — که صدها شاهد برای آن می‌توان یافت — به «تار موی» تصحیح شده است، و پیدا است که این موارد نه از کوتاهی خانم دکتر است، همچنین مشدد نوشتن «علی حذّه» است و گرفتار آمدن به غفلت روزگار در مشدد نوشتن «دوم» ص ۹۶، ۱۲۳، «سوم» ص ۱۴۱، ۱۵۱ بتکرار؛ و بی تشدید نوشتن واژه‌های مشدد چون: مدت، (تقریباً همه جا)، تعلق ص ۱۲۳ و کیفیت و مفصل و اول و... برای بانوی استادی که سر و کار ایشان با دانشجویان نوآموز است در کشوری خارجی! و یا با همزه آوردن «جمله» که در متنهای کهن رواتر حذف همزه است، ص ۱۱۴، ۱۳۰، ۱۵۵؛ و یا عدم اشاره به حذف شناسه، بویژه در متن جامع‌التواریخ که بیش از سایر متنها دیده می‌شود. ص ۱۱۵، ۱۲۵؛ و حذف «پاره» در ترکیب «پنج پاره شهر» در ص ۱۲۰، که در ص ۱۰۵، س ۱۵ نیز آمده بوده؛ نه این موارد به

ساحب استادان راهنما باز می‌گردد!

کمترین در تصحیح متن تاریخ چین، غفلتی کرد و آن فرو نهادن شیوه آوانگاری دانشمند مأسوف علیه کارل یان است، بریژه که خانم دکتر وانگ ای دان آن را مردود ندانستند. - ص ۵۶ - در چهار بخش دیگر تاریخ عالم من از روش گزیده کارل یان پیروی کرده‌ام.

✱

ترجمه تازی تاریخ چین

با تأسف از آغاز نسخه بظاهر منحصر «ترجمه تازی تاریخ چین» چند برگی افتاده است، و از برگ ۳۰ متن چاپی فارسی، به شرح نسخه بدلهای ترجمه عربی پرداختم.

چنانکه پیشتر هم یاد کردم - در پیشگفتار تاریخ هند - از بخشهای پنجگانه تاریخ عالم، برگهای زیراکسی در زیر دست من است که دوست گرامی آقای صادق طباطبایی به تابستان ۱۳۶۶ از دانشگاه گوتینگن فراهم ساخته بودند، که سپاسگزار مهرورزی ایشانم. در بخش زیراکسی تاریخ هند من ۸ برگ افتادگی دارد که با بهره‌یابی از نسخه چاپ عکسی نفیس مجموعه ناصر داود خلیلی - که یادگار و ارمغان «بنیاد میراث ایران» Iran Heritage Fondation است - کار را به پایان بردم.

در مقابله متن فارسی خود با ترجمه تازی کوشیدم تا در ثبت و ضبط اختلافات مضامین کوتاهی نکنم، و حتی جانب تفصیل پیش گیرم؛ روایت ترجمه عربی را بیشتر فارسی گونه می‌یابم.

خواهش پایانی من از خواننده دانشور دانش پژوه این است که در «شرح نسخه بدلها» به عنایتی بیش امعان نظر کنند که در پاره‌ای جایها، جنبه‌ای استدراکی دارد؛ و از باز نمودن نارساییهای کار کمترین دریغ نورزند.

از «مرکز پژوهشی میراث مکتوب» و مدیریت عامل گرامی آن جناب اکبر ایرانی - دریاوری و مهرورزی خود و همکاران ایشان دوست دانشمند آقای علی اوجبی - امتنان فراوان دارم.

از همسرم شکوه بانو اداره‌چی گیلانی، به خاطر بازنگریها به نمونه‌ها و یادآوریها، و خانم سیما اداره‌چی گیلانی برای حروفچینی متن و تعلیقات تشکر می‌کنم.

با سپاس خدای
محمّد روشن - تهران
پاییز ۱۳۸۴